

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و تمایل کشاورزان به تشکیل و عضویت در تشکل های آب بران شهرستان الشتر

فاطمه رحیمی فیض آباد^{۱*}، مسعود یزدان پناه^۲، معصومه فروزانی^۳، سعید محمد زاده^۴،
رابرت بورتن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مشارکت کشاورزان در تشکل های آب بران از طریق به کارگیری سرمایه اجتماعی است. نمونه این تحقیق شامل ۳۶۰ نفر از کشاورزان شهرستان الشتر است که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از پرسش نامه محقق ساخته انجام گرفت. پس از تهیه پرسش نامه و تأیید روایی صوری آن توسط متخصصان امر، پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مختلف تحقیق تأیید شد. جهت تعیین عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل کشاورزان به تشکیل و عضویت در تشکل های آب بران از تحلیل رگرسیون به روش اینتر استفاده شد. نتایج نشان داد که سه متغیر مشارکت در جامعه محلی، اعتماد قوی و تحمل تنوع قادر به پیش بینی بخش قابل توجهی ($R^2 = 0/412$) از تغییرات متغیر تمایل به تشکیل تشکل های آب بران هستند. علاوه بر این، چهار متغیر مشارکت در جامعه محلی، اعتماد قوی، ارتباطات برون محلی و مشارکت مدنی همسایگان قادر به پیش بینی بخش قابل توجهی ($R^2 = 0/51$) از تغییرات متغیر تمایل به عضویت در تشکل های آب بران اند. در پایان، به منظور افزایش تمایل کشاورزان به تشکیل تشکل آب بران و افزایش مشارکت آن ها پیشنهادهایی ارائه شد.

واژه های کلیدی: تشکل آب بران، سرمایه اجتماعی، مشارکت، شهرستان الشتر، تمایل، عضویت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
* نویسنده مسئول
E-mail: rahimifatemeh418@yahoo.com

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۳. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۴. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۵. محقق مرکز تحقیقات روستایی راکورا، هامپلتون، نیوزلند

مقدمه

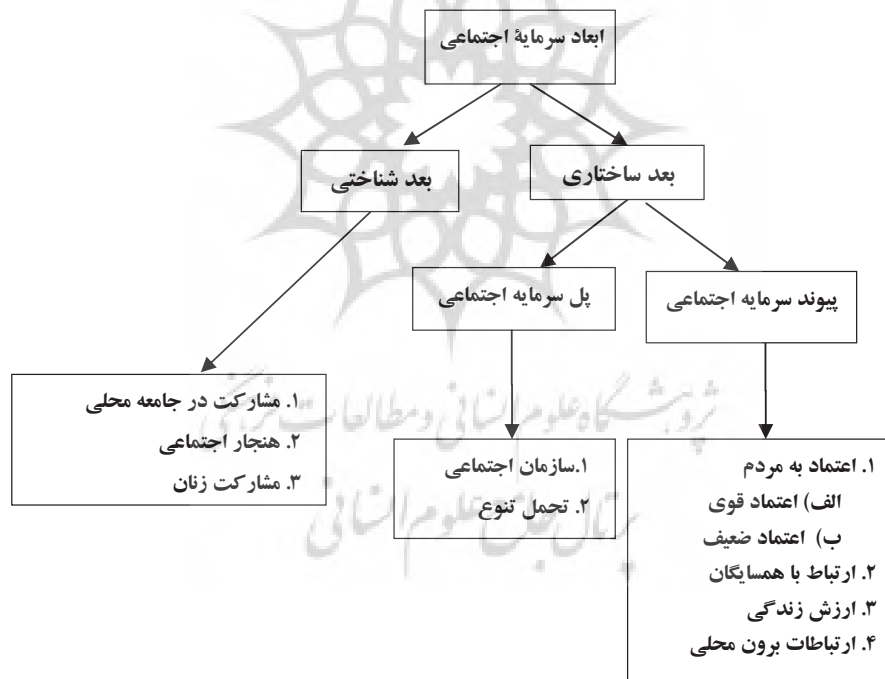
آب یک منبع حیاتی و مهم برای مقاصد مختلف بشری است؛ برای مثال، زندگی و امرار معاش انسان را توسعه می‌بخشد و همچنین علاوه بر ارائه خدمات زیست محیطی به انسان، نیازهای زیبایی‌شناختی و فرهنگی او را نیز برآورده می‌کند (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۰؛ Hurlimann et al., 2009). اما کمیابی و افزایش آلودگی منابع آب از یک طرف و افزایش سریع تقاضای آب از طرف دیگر، دامنه‌ای گسترده برای بحران آب در سراسر جهان (Castelletti & Soncini, 2005) و ایران (Yazdanpanah et al., 2014a; 2014b) ایجاد نموده است؛ چرا که آب، به عنوان یک منبع مشترک، برای آبیاری و مصارف مختلف دیگر مصرف می‌شود (Sarker et al., 2008; Sun, 2007). منابع مشترک طبیعی با ارزش یا منابع انسان‌ساخته‌ای از قبیل جنگل، آب و مرتع هستند که برای استفاده بیش از یک نفر می‌باشند و در صورت نبود قوانین و قواعد توافق شده جمعی، بر اثر مصرف بیش از حد تخریب می‌شوند (Sun, 2007). بنابراین، آب باید مدیریت شود، اما از آنجا که مسائل مربوط به مدیریت منابع آب دارای پیچیدگی شناختی اجتماعی هستند، شناسایی آن‌ها بسیار مشکل است، چون چندبعدی، مبهم و به هم وابسته می‌باشند. همچنین کنشگران زیادی در آن درگیرند که ارزش‌ها و ایده‌های گوناگونی دارند. بنابراین، حل این مسائل فراتر از توانمندی‌های قانونی و معمولی مدیریتی فعلی منابع آب می‌باشد، چون نمی‌توان آن‌ها را با روش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های علمی و فنی بررسی نمود. از این‌رو، در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با استفاده از منابع طبیعی، به ویژه آب، مسائل اجتماعی نباید به عنوان داده‌های مکمل برای داده‌های تکنیکی و طبیعی محسوب شوند، بلکه باید به عنوان داده‌های اصلی مورد توجه قرار گیرند (Visser, 2004 cited in Sun, 2007). با این حال، متأسفانه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع آب، به این حیطة تحقیق (ترکیب امور فنی و اجتماعی) توجه کافی نشده و سیستم‌های فنی در یک حالت منفک از زمینه اجتماعی، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند (Pahl-wostl, 2007). پرتی و وارد (Pretty and Ward 2001)

1. Common-Pool Resources

معتقدند زمانی افراد می‌توانند منابع آب را درست مدیریت کنند که آن‌ها در یک اقدام جمعی درگیر این مسئله باشند. بنابراین، از طریق پیوستن کشاورزان به یکدیگر و تشکیل گروه کاربری آب است که کشاورزان می‌توانند از آسیب به منابع آب و مصرف بیش از حد آن‌ها جلوگیری کنند (Lopez-Gunn, 2012). این موضوع باعث گردیده است امروزه سیاست‌های دولتی مدیریت آبیاری به سمت حمایت از تشکلهای به خصوص تشکلهای محلی آبرسان سوق یابد (Gorton et al., 2009). شالبای و همکاران (Shalby et al., 2004) بیان می‌دارند تشکلهای آبرسان سازمانی تحت مالکیت، کنترل و مدیریت کشاورزان است که توسط اعضای آن جهت دستیابی به افزایش کنترل آب و افزایش امکانات تولید از طریق بهبود عملکرد سیستم آبیاری تشکیل می‌شود. بنابراین، جهت حفاظت و مدیریت منابع آب، گسترش و راه‌اندازی این تشکلهای امری ضروری به نظر می‌رسد. در این باره، متخصصان معتقدند که سرمایه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی در تشکیل و بقای تشکلهای آبرسان دارند؛ برای مثال، پرتی و وارد (Pretty and Ward, 2001) معتقدند در مناطقی که سرمایه اجتماعی به خوبی توسعه یافته است، گروه‌های محلی مصرف کننده آب قوانین و محدودیت‌هایی را توسعه داده‌اند که باعث شده است از منابع موجود به شکل صحیح استفاده گردد. نتیجه این کار در کشور فیلیپین و سریلانکا باعث افزایش تولید محصول برنج شده است.

تعدادی از محققان (مانند: Yip et al., 2007; Van Rijn et al., 2012; Micheline, 2013); Nakagawa and Shaw, 2004; Harpham et al., 2004) دو بعد کلی ساختاری و شناختی (شکل ۱) برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند. بعد شناختی سرمایه اجتماعی متشکل از هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهایی می‌باشد که افراد را مستعد همکاری با یکدیگر می‌کند (Michelini, 2013; Jones et al., 2011). بعد ساختاری سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها، نقش‌ها، قوانین، رویه‌ها و روش‌هایی است که موجب فرایند سازماندهی، همکاری و اقدام جمعی افراد جهت انجام فعالیت‌های جمعی می‌شود (Michelini, 2013; Jones et al., 2011). برخی دیگر از محققان (همچون: Flora et al., 2004; Ballet et al., 2007; Michelini, 2013;

(Nakagawa and Shaw, 2004) معتقدند که خود بعد ساختاری سرمایه اجتماعی از دو جزء تشکیل شده است: پیوند سرمایه اجتماعی و پل ارتباطی سرمایه اجتماعی^۱. پیوند سرمایه اجتماعی شناسایی گروه را از طریق ارزش‌ها و هنجارهای مشترک تسهیل می‌کند و به سرمایه اجتماعی تولید شده توسط گروهی نسبتاً همگن اشاره دارد (Lopez-Gunn, 2012). لوپز-گان (Lopez-Gunn, 2012) معتقد است که پل سرمایه اجتماعی اشاره به نوعی از سرمایه اجتماعی دارد که از طریق روابط متقابل تولید گردیده و به اشتراک گذاشته شده است و تعامل بین گروه‌های ناهمگن را تسهیل می‌کند. انتظار می‌رود ابعاد سرمایه اجتماعی بتوانند با تمایل به تشکیل تشکلهای در ارتباط باشند. لذا هدف این تحقیق بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی با تمایلات کشاورزان در رابطه با تشکیل و عضویت در تشکل آب‌بران می‌باشد.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق با بهره‌گیری از فن پیمایش طراحی و اجرا شد. این روش از انواع پژوهش‌های توصیفی است که برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری به کار می‌رود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). جامعه آماری در این پژوهش کل کشاورزان شهرستان الشتر در استان لرستان به تعداد ۶۰۰۰ نفر می‌باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد که بر اساس جدول کرجسی و مورگان نمونه‌ای ۳۶۰ نفری از کشاورزان برای تحقیق انتخاب شدند. بدین منظور، ابتدا طبقات مشخص شدند. طبقات شامل کشاورزانی بودند که از آب چاه، چشمه و رودخانه جهت آبیاری استفاده می‌کردند. سپس از هر طبقه به صورت تصادفی و غیر سهمیه‌ای ۱۲۰ نفر انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه انجام گرفت. پس از تعیین جامعه و شناخت منطقه مورد مطالعه، با انجام یک مطالعه راهنما و تکمیل ۳۰ پرسش‌نامه در شهرستان الشتر و تحلیل نتایج آن، اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد. جدول ۱ متغیرها، تعداد گویه برای سنجش هر متغیر و ضرایب آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد. تمامی متغیرهای ذکر شده در جدول ۱ با استفاده از طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای شامل «اصلاً»، «خیلی کم»، «کم»، «تاحدودی»، «زیاد» و «خیلی زیاد» مورد سنجش قرار گرفتند.

جدول ۱. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

ضریب آلفا	تعداد گویه‌ها	متغیر	
۰/۷۲	۴	مشارکت در جامعه محلی	
۰/۸۸	۳	مشارکت زنان	
۰/۷۵	۳	هنجار اجتماعی	
۰/۵۸	۲	اعتماد ضعیف	
۰/۷۸	۳	اعتماد قوی	
۰/۷۰	۳	ارزش زندگی	
۰/۸۵	۳	ارتباطات برون‌محلی	
۰/۵۵	۷	سازمان اجتماعی	
۰/۸۴	۳	تحمل تنوع	
۰/۵۸	۴	مشارکت مدنی همسایگان	
۰/۹۲	۵	تمایل به عضویت در تشکل آب‌بران	متغیرهای وابسته
۰/۷۹	۲	تمایل به تشکیل تشکل آب‌بران	

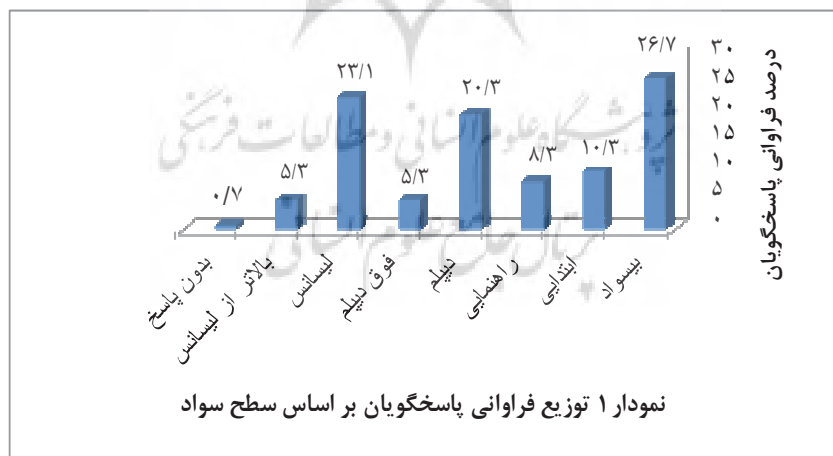
مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: جهت سنجش همه گویه‌ها از طیف ۰ تا ۵ امتیازی استفاده شد.

نتایج و بحث

آمار توصیفی

آمار توصیفی نشان داد که میانگین سن پاسخگویان در نمونه تحقیق حدود ۴۲/۵۱ سال با انحراف معیار ۱۶/۶۰ و کم‌ترین سن ۱۷ سال و بیش‌ترین ۹۴ سال است. توزیع فراوانی کشاورزان بر اساس سابقه کاری نشان داد متغیر سابقه کار کشاورزی دارای میانگین ۲۵/۵۴ و انحراف معیار ۱۸/۶۲ می‌باشد. کمترین سابقه کار کشاورزی به افرادی تعلق دارد که دارای یک سال سابقه کار کشاورزی می‌باشند و بیشترین سابقه کار کشاورزی ۸۵ سال است. همچنین از ۳۶۰ نفر نمونه تحقیق، ۱۷ نفر (۴/۷ درصد) زن و ۳۴۳ نفر (۹۵/۳ درصد) بوده‌اند. از لحاظ میزان سواد، همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی مربوط به کشاورزان بی‌سواد (۲۶/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به کشاورزانی با سطح تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر از لیسانس (۵/۳) می‌باشد. ۲۷۵ نفر (۷۶/۴ درصد) از کشاورزان از سیستم آبیاری سنتی، ۳۴ نفر (۹/۴ درصد) از سیستم آبیاری مدرن و ۵۱ نفر (۱۴/۲ درصد) از هر دو سیستم آبیاری سنتی و مدرن استفاده کرده‌اند (جدول ۲).



جدول ۲. ویژگی‌های فردی پاسخگویان

ویژگی‌های فردی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۴/۷
	مرد	۹۵/۳
	جمع	۱۰۰
میزان سواد	بی سواد	۲۶/۷
	ابتدایی	۱۰/۳
	راهنمایی	۸/۳
	دیپلم	۲۰/۳
	فوق دیپلم	۵/۳
	لیسانس	۲۳/۱
	بالا تر از لیسانس	۵/۳
	بدون پاسخ	۰/۷
	جمع	۱۰۰
نوع آبیاری	سنتی	۷۶/۴
	مدرن	۹/۴
	هر دو	۱۴/۲
	جمع	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

رابطه بین متغیرهای تحقیق گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق از ماتریس ضرایب آزمون همبستگی پیرسون بدین ترتیب استفاده شد که متغیرهای مشارکت در جامعه محلی، سازمان اجتماعی، اعتماد قوی، اعتماد ضعیف، ارتباط با همسایگان، تحمل تنوع، ارزش زندگی، مشارکت زنان، ارتباطات برون محلی، مشارکت مدنی همسایگان و هنجار اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و متغیرهای تمایل کشاورزان به تشکیل و عضویت تشکل‌های آبران به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند. همان گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، متغیر تمایل به عضویت در تشکل آبران دارای

رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیرهای مشارکت در جامعه محلی ($r = 0/518$)، سازمان اجتماعی ($r = 0/417$)، اعتماد قوی ($r = 0/467$)، اعتماد ضعیف ($r = 0/334$)، ارتباط با همسایگان ($r = 0/568$)، ارزش زندگی ($r = 0/475$)، مشارکت زنان ($r = 0/378$)، ارتباطات برون‌محلی ($r = 0/509$)، مشارکت مدنی همسایگان ($r = 0/505$) و هنجار اجتماعی ($r = 0/364$) می‌باشد. اما این متغیر با متغیر تنوع تحمل ($r = 0/043$) ارتباط معنی‌داری ندارد.

آزمون همبستگی همچنین نشان داد تمایل به تشکیل شکل آب‌بران رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیرهای مشارکت در جامعه محلی ($r = 0/516$)، سازمان اجتماعی ($r = 0/391$)، اعتماد قوی ($r = 0/409$)، اعتماد ضعیف ($r = 0/305$)، ارتباط با همسایگان ($r = 0/500$)، تحمل تنوع ($r = 0/152$)، ارزش زندگی ($r = 0/432$)، مشارکت زنان ($r = 0/346$)، ارتباطات برون‌محلی ($r = 0/394$)، مشارکت مدنی همسایگان ($r = 0/442$)، هنجار اجتماعی ($r = 0/389$) و تمایل به عضویت در شکل آب‌بران ($r = 0/803$) دارد.

جدول ۳. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆	X ₇	X ₈	X ₉	X ₁₀	X ₁₁	X ₁₂	X ₁₃
مشارکت در جامعه محلی	۱												
سازمان اجتماعی	0/496**	۱											
اعتماد قوی	0/451**	0/483**	۱										
اعتماد ضعیف	0/341**	0/385**	0/584**	۱									
ارتباط با همسایگان	0/584**	0/442**	0/730**	0/633**	۱								
تحمل تنوع	0/077	0/204**	0/109	0/103	0/053	۱							
ارزش زندگی	0/513**	0/345**	0/488**	0/392**	0/655**	0/101	۱						
مشارکت زنان	0/453**	0/278**	0/530**	0/436**	0/614**	0/029	0/562**	۱					
ارتباطات برون محلی	0/454**	0/291**	0/461**	0/347**	0/644**	0/117	0/473**	0/403**	۱				
مشارکت مدنی همسایگان	0/460**	0/362**	0/496**	0/462**	0/656**	0/100**	0/513**	0/474**	0/558**	۱			
هنجار اجتماعی	0/452**	0/327**	0/442**	0/343**	0/574**	-0/020	0/448**	0/383**	0/417**	0/441**	۱		
تمایل به عضویت در شکل آب‌بران	0/518**	0/417**	0/467**	0/334**	0/568**	0/043	0/475**	0/378**	0/509**	0/505**	0/364**	۱	
تمایل به تشکیل شکل آب‌بران	0/516**	0/391**	0/409**	0/305**	0/500**	0/152**	0/432**	0/346**	0/394**	0/442**	0/389**	0/803**	۱
X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆	X ₇	X ₈	X ₉	X ₁₀	X ₁₁	X ₁₂	X ₁₃	
مشارکت	سازمان	اعتماد قوی	اعتماد ضعیف	ارتباط با همسایگان	تحمل تنوع	ارزش زندگی	مشارکت زنان	ارتباطات	مشارکت مدنی	هنجار اجتماعی	تمایل به عضویت	تمایل به تشکیل	مشارکت
در جامعه	اجتماعی	محلی	محلی	همسایگان	تنوع	زندگی	زنان	محلی	همسایگان	اجتماعی	در شکل آب‌بران	در شکل آب‌بران	محلی

تحلیل رگرسیون عوامل مؤثر بر تشکیل و عضویت در تشکل آببران

به منظور تعیین اثر متغیرهای سرمایه اجتماعی بر تمایل کشاورزان به عضویت در تشکل‌های آببران از تحلیل رگرسیون به روش ایتتر استفاده گردید. بدین ترتیب متغیرهای سرمایه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر تمایل کشاورزان به عضویت در تشکل‌های آببران به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون شدند (معنی‌دار شدند). نتایج رگرسیون نشان داد متغیرهای مشارکت در جامعه محلی، اعتماد قوی، ارتباطات برون‌محلی و مشارکت مدنی همسایگان قادرند ۰/۵۱ درصد از تغییرات متغیر تمایل به عضویت در تشکل‌های آببران را پیش‌بینی نمایند ($\text{Sig} = ۰/۰۰۱$, $F = ۱۹/۱۰۷$, $\text{Constants} = ۲/۴۹۳$)؛ به عبارتی، متغیرهای مشارکت در جامعه محلی، اعتماد قوی، ارتباطات برون‌محلی و مشارکت مدنی همسایگان عوامل مرتبط با پیش‌بینی تمایل به عضویت در تشکل‌های آببران می‌باشند و با تغییر در آن‌ها می‌توان تمایل کشاورزان را جهت عضویت در تشکل‌های آببران تغییر داد. همچنین با توجه به جدول ۴، متغیرهای ارتباطات برون محلی ($\beta = ۰/۲۴۲$) و اعتماد قوی ($\beta = ۰/۲۳۹$) در مقایسه با متغیرهای مشارکت در جامعه محلی ($\beta = ۰/۲۲۵$) و مشارکت مدنی همسایگان ($\beta = ۰/۱۵۷$) قدرت بیشتری در پیش‌بینی متغیر تمایل به عضویت در تشکل‌های آببران دارند، بدین معنا که یک واحد تغییر در هر یک از این متغیرها به ترتیب می‌تواند ۰/۲۴۲، ۰/۲۳۹، ۰/۲۲۵ و ۰/۱۵۷ واحد تغییر در میزان تمایل کشاورزان به عضویت در تشکل‌های آببران تغییر ایجاد کند. معادله حاصل از رگرسیون به شرح ذیل می‌باشد:

$$+ (\text{مشارکت در جامعه محلی}) + ۱/۳۱۰ + ۲/۴۹۳ = \text{تمایل کشاورزان به عضویت در تشکل‌های آببران} \\ + (\text{مشارکت مدنی همسایگان}) + ۰/۸۵۷ + (\text{ارتباطات برون محلی}) + ۰/۲۹۰ + (\text{اعتماد قوی}) + ۱/۲۱۱$$

جدول ۴. تحلیل رگرسیون تمایل به عضویت در تشکل آب‌بران

متغیر	B	S.E.B	β	Sig.t
مشارکت در جامعه محلی	۱/۳۱۰	۰/۳۹۲	۰/۲۲۵	۰/۰۰۱
سازمان اجتماعی	۰/۴۳۶	۰/۵۳۱	۰/۰۵۱	۰/۴۱۳
اعتماد قوی	۱/۲۱۱	۰/۴۲۶	۰/۲۳۹	۰/۰۰۵
اعتماد ضعیف	۰/۱۳۷	۰/۱۹۵	۰/۰۴۷	۰/۴۸۲
ارتباط با همسایگان	۰/۱۹۷	۰/۷۲۵	۰/۰۳۲	۰/۷۸۶
تحمل تنوع	۰/۱۵۱	۰/۲۱۲	۰/۰۳۷	۰/۴۷۵
ارزش زندگی	-۰/۰۷۷	۰/۴۳۱	-۰/۰۱۳	۰/۸۵۸
مشارکت زنان	۰/۰۲۵	۰/۱۳۵	۰/۰۱۳	۰/۸۵۴
ارتباطات برون محلی	۰/۲۹۰	۰/۰۸۵	۰/۲۴۲	۰/۰۰۱
مشارکت مدنی همسایگان	۰/۸۵۷	۰/۳۹۵	۰/۱۵۷	۰/۰۳۱
هنجار اجتماعی	-۰/۴۷۵	۰/۵۰۸	-۰/۰۷۸	۰/۳۵۱
Constants= ۲/۴۹۳ F=۱۹/۱۰۷ Sig= ۰/۰۰۰				
متغیر	Multiple R	R ²	R ² Adjust	R ² Change
تمایل به عضویت در تشکل آب‌بران	۰/۷۱۴	/۵۱۰	۰/۴۸۳	۰/۵۱۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جهت تعیین اثر سرمایه اجتماعی بر تمایل به تشکیل تشکل آب‌بران نیز از تحلیل رگرسیون اینتر استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، متغیرهای مشارکت در جامعه محلی، اعتماد قوی و تحمل تنوع اثر معنی‌دار داشتند. این سه متغیر در مجموع ۰/۴۱۲ درصد از تغییرات متغیر تمایل کشاورزان به تشکیل تشکل آب‌بران را در سطح معنی‌داری پیش‌بینی می‌نمایند (Sig = ۰/۰۰۱, F = ۱۳/۸۱۳, Constants = ۲/۴۸۳). بنابراین با افزایش میزان مشارکت کشاورزان در جامعه محلی، اعتماد قوی و تحمل تنوع می‌توان تمایل آن‌ها به ایجاد تشکل آب‌بران را بهبود بخشید. از طرفی، همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، متغیر مشارکت در جامعه

محلی ($\beta = ۰/۲۷۷$) از متغیرهای اعتماد قوی ($\beta = ۰/۲۰۲$) و تحمل تنوع ($\beta = ۰/۱۳۱$) تأثیر بیشتری بر تمایل کشاورزان به تشکیل شکل آب‌بران دارد؛ به عبارت دیگر، یک واحد تغییر در هر یک از این متغیرها به ترتیب می‌تواند $۰/۲۷۷$ ، $۰/۲۰۲$ و $۰/۱۳۱$ واحد تغییر در میزان تمایل کشاورزان به تشکیل شکل‌های آب‌بران ایجاد کند. معادله حاصل از رگرسیون به شرح زیر می‌باشد:

+ (مشارکت در جامعه محلی) $۰/۶۱۴$ + $۲/۴۸۳$ = تمایل کشاورزان به تشکیل شکل‌های آب‌بران
 (تحمل تنوع) $۰/۲۰۹$ + (اعتماد قوی) $۰/۳۹۰$

جدول ۵. تحلیل رگرسیون تمایل به تشکیل شکل آب‌بران

متغیر	B	S.E.B	β	Sig.t
مشارکت در جامعه محلی	۰/۶۱۴	۰/۱۵۸	۰/۲۷۷	۰/۰۰۱
سازمان اجتماعی	۰/۰۴۲	۰/۲۱۴	۰/۰۱۳	۰/۸۴۳
اعتماد قوی	۰/۳۹۰	۰/۱۷۱	۰/۲۰۲	۰/۰۲۳
اعتماد ضعیف	-۰/۱۳۲	۰/۰۸۰	-۰/۱۱۷	۰/۰۹۹
ارتباط با همسایگان	۰/۳۹۰	۰/۲۹۴	۰/۱۶۳	۰/۱۸۶
تحمل تنوع	۰/۲۰۹	۰/۰۸۶	۰/۱۳۱	۰/۰۱۶
ارزش زندگی	-۰/۰۴۶	۰/۱۷۳	-۰/۰۲۰	۰/۷۹۱
مشارکت زنان	-۰/۰۵۰	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۷	۰/۳۴۷
ارتباطات برون محلی	۰/۰۵۹	۰/۰۳۴	۰/۱۲۸	۰/۰۸۵
مشارکت مدنی همسایگان	۰/۲۴۵	۰/۱۶۰	۰/۱۱۶	۰/۱۲۸
هنجار اجتماعی	۰/۰۳۷	۰/۲۰۵	۰/۰۱۶	۰/۸۵۶
Sig= ۰/۰۰۰		F=۱۳/۸۱۳	Constants= ۲/۴۸۳	
متغیر	Multiple R	R ²	R ² Adjust	R ² Change
تمایل به تشکیل تعاونی آب‌بران	۰/۶۴۲	/۴۱۲	۰/۳۸۲	۰/۴۱۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل رگرسیون عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل کشاورزان به عضویت و تشکیل تشکل آب‌بران نشان داد که متغیر مشارکت در جامعه محلی عامل پیش‌بینی تمایل کشاورزان جهت عضویت و تشکیل تشکل آب‌بران می‌باشد که این یافته با نتایج مطالعات مختلفی (مانند: Miller & Buys, 2008; Miller et al., 2006; Onyx et al., 2005; Onyx et al., 2004; Onyx & Bullen, 2000) سازگاری دارد. پرتی (Pretty, 2003 cited in Miller & Buys, 2008) بیان می‌دارد مشارکت اجتماعی از طریق ایجاد همکاری بین اعضای جامعه می‌تواند به عنوان یک تسهیل‌گر بالقوه عمل کند و اقدام جمعی بین افراد را تسهیل و باعث ایجاد تغییرات مثبت زیست‌محیطی در افراد شود. در واقع هر چه مشارکت در بین کشاورزان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی کشاورزان نیز ارتقا خواهد یافت. بنابراین لازم است که رویکردهای مشارکت‌محور و افزایش مشارکت اجتماعی در بین کشاورزان به عنوان روشی برای ارتقای سرمایه اجتماعی، از طریق عرصه‌های مشارکت غیر رسمی مثل مراکز برپایی مناسک و مراسم مذهبی مورد حمایت گسترده واقع شوند. همچنین آگاه کردن کشاورزان از پیامدهای منفی ناشی از استحصال بی‌رویه منابع آبی سبب ایجاد احساس نیاز به مشارکت همه افراد جامعه محلی جهت حفاظت از منابع آب می‌شود. در این راستا، وسایل ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، از جمله عوامل مهمی هستند که در ایجاد روحیه مشارکت در کشاورزان مؤثرند و می‌توانند با تشویق و تهییج روانی مردم و ایجاد فضای همدلی، باعث افزایش مشارکت اجتماعی کشاورزان در امور حفاظت از منابع آب و تشکیل و عضویت در تشکل‌های آب‌بران گردند. همچنین حمایت رسانه‌های جمعی استان جهت برپایی و گردهمایی‌های تخصصی در سطح رسانه‌ای با موضوع حفاظت از آب یا تهیه داستان‌های رادیویی درباره استفاده بهینه از منابع آب کشاورزی، به دلیل دسترسی آسان به رادیو در همه مناطق روستایی، همراه با پخش برنامه‌ها در زمان‌های فراغت روستاییان می‌تواند در این راستا مؤثر واقع شود.

ارتباطات برون‌محلی عامل مهمی از سرمایه اجتماعی می‌باشد که می‌تواند روی تمایل کشاورزان به تشکیل تشکل آب‌بران تأثیر گذارد. ارتباطات برون‌محلی پایه و اساسی جهت اشتراک مساعی بین جوامع محلی و سازمان‌های دولتی است و سبب تسهیل عمل جمعی می‌شود و می‌تواند افراد را به سمت ایجاد سرمایه اجتماعی تشویق کند. با ایجاد سرمایه اجتماعی و تشویق افراد به ارتباطات برون‌محلی می‌توان افراد را به سمت رفتارهای مثبت مصرف آب سوق داد. بنابراین، توصیه می‌شود جهاد کشاورزی از طریق فراهم نمودن بازدهی‌های دسته جمعی و گروهی کشاورزان از مزارع خارج از روستا، مشاهده طرح‌های موفق روستاهای دیگر یا بازدید از مراکز تحقیقاتی ترویجی زمینه لازم را جهت ایجاد سرمایه اجتماعی در افراد و در نتیجه ایجاد تمایل در افراد جهت تشکیل تشکل آب‌بران فراهم سازد. از طرفی، جهت حفاظت از منابع طبیعی، کشاورزان به انگیزه کافی جهت کاربرد شیوه‌های مدیریت منابع نیاز دارند (Pretty and Ward, 2001). ایجاد انگیزه در بین روستاییان جهت مشارکت در فعالیت‌های جمعی و تشکیل تشکل‌های روستایی از طریق دعوت روستاییان برای بازدید از تشکل‌های مردمی می‌تواند مؤثر واقع شود.

تحلیل رگرسیون عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل کشاورزان به عضویت و تشکیل تشکل آب‌بران نشان داد متغیر اعتماد قوی عامل پیش‌بینی تمایل کشاورزان جهت عضویت و تشکیل تشکل آب‌بران می‌باشد. در این باره، هارپفام و همکاران (Harpham et al., 2004) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابه دست یافتند. بدون وجود سطح بالایی از اعتماد در میان اعضای گروه، گروه نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، چرا که اعتماد تسهیل‌کننده همکاری است. ون ریجن و همکاران (Van Rijn et al., 2012) بیان می‌دارند سطح بالای اعتماد باعث می‌شود افراد درون گروه‌ها از خود مطمئن شوند و به عبارتی در برابر ریسک‌ها خوداطمینانی داشته باشند. در این راستا، تشکیل گروه‌های محلی با توجه به نیازها و علایق مردم محلی و همچنین ارائه اطلاعات، اختیارات و تسهیلات لازم به آنها، مثل نگهداری، تعمیر و بازسازی شبکه‌های توزیع آب و تجهیزات آبیاری، می‌تواند باعث ایجاد اعتماد بین افراد و تشویق آنها جهت تشکیل و عضویت در

تشکل آب‌بران برای حفاظت از منابع آب شود. جلب اعتماد کشاورزان علاوه بر ارائه خدمات مناسب و عادلانه به آن‌ها، از طریق آموزش و ترویج نیز به میزان قابل توجهی امکان‌پذیر است. همسایگان و سطح روابط آن‌ها با یکدیگر و با مقامات دولتی یا سازمان‌های محلی متغیر مهمی از سرمایه اجتماعی می‌باشد که روی تمایل کشاورزان به عضویت در تشکل آب‌بران تأثیر می‌گذارد. این نتیجه با یافته‌های مطالعه هارپفام و همکاران (Harpham et al., 2004) مطابقت دارد. بنابراین، هر چه روابط همسایه‌ها با یکدیگر و سازمان‌های محلی بیشتر باشد می‌تواند در تمایل کشاورزان به تشکیل تشکل آب‌بران کمک کند. لذا توصیه می‌شود جهت اثربخشی همکاری همسایه‌ها با یکدیگر و با مقامات دولتی یا سازمان‌های محلی جهت حفاظت از منابع آب، روستاییان خلاق و دارای جسارت شروع به تغییر شناسایی و جهت مشارکت در فعالیت‌های مدیریت منابع آب کشاورزی تشویق و پشتیبانی شوند. همچنین با شناسایی افرادی که منزلت اجتماعی بالاتری دارند (مانند روحانیون، معلمان، بزرگان و ریش‌سفیدان روستا، و کشاورزان نمونه) می‌توان از آن‌ها به عنوان کانال‌های ارتباطی بهره جست. در واقع، با شناسایی و به‌روز کردن اطلاعات این دسته از بهره‌برداران می‌توان زمینه را برای گسترش اطلاعات مفید در سایرین نیز فراهم نمود.

متغیر تحمل تنوع عامل مهمی جهت تعیین تمایل کشاورزان جهت عضویت در تشکل‌های آب‌بران می‌باشد. در مطالعات دیگر (مانند: Miller et al., 2006; Miller & Buys, 2008; Onyx & Bullen, 2000; Onyx et al., 2004; Onyx et al., 2005) نیز نتایج مشابهی به دست آمد. ایسهام (Isham, 2002) معتقد است زمانی که افراد ویژگی‌ها و باورهای مشترکی داشته باشند، احتمالاً ارتباطات بین آن‌ها اثربخش‌تر می‌باشد و اطلاعات بیشتری را به اشتراک می‌گذارند. بنابراین، کشاورزانی با گروه‌های قومی و مذهبی یکسان دارای سرمایه اجتماعی بالایی می‌باشند (Pretty and Ward, 2001). لذا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و متخصصان در زمینه مدیریت منابع آب به منظور دستیابی به سرمایه اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی در بین گروه‌های قومی مختلف را مد نظر قرار دهند. بنابراین، با توجه به اینکه منطبق نمودن برنامه‌های توسعه با

سنت‌ها و باورهای رایج در یک منطقه و احترام به آن‌ها تا حد زیادی در موفقیت روش‌های حفاظت از آب مؤثر است، پیشنهاد می‌شود به منظور مدیریت منابع آب، ضمن برگزاری جلسات توجیهی و شنیدن نظرات بهره‌برداران در این خصوص، روش مناسبی را اتخاذ نمود که با فرهنگ کشاورزان منطقه مطابقت داشته باشد.

منابع

۱. سرمد، ز.، بازرگان، ع. و حجازی، ا. (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۲. یزدان پناه، م.، حیاتی، د. و زمانی، غ. (۱۳۹۰). کاربرد تئوری فرهنگی در واکاوی نگرش و فعالیت‌های حفاظت از منابع آب: مورد مطالعه کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۷(۲)، ۱-۱۸.
3. Ballet, J., Sirven, N., & Requier-Desjardins, M. (2007). Social capital and natural resource management a critical perspective. *The Journal of Environment & Development*, 16(4), 355-374.
4. Castelletti, A., & Soncini, S.R. (2005). A procedural approach to strengthening integration and participation in water resource planning. *Environmental Modeling & Software*, 21(10), 1455-1470.
5. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, S95-S120.
6. Flora, C. B. (2004). Social aspects of small water systems. *Journal of Contemporary Water Research & Education*, 128(1), 6-12.

7. Gorton, M., Sauer, J., Peshevski, M., Bosev, D., Shekerinov, D., & Quarrie, S. (2009). Water communities in the republic of Macedonia: An empirical analysis of membership satisfaction and payment behavior. *World Development*, 37(12), 1951-1963.
8. Harpham, T., Grant, E., & Rodriguez, C. (2004). Mental health and social capital in Cali, Colombia. *Social Science & Medicine*, 58(11), 2267-2277.
9. Hurlimann, A., Dolnicar, S., & Meyer, P. (2009). Understanding behavior to inform water supply management in developed nations—a review of literature, conceptual model and research agenda. *Journal of Environmental Management*, 91(1), 47-56.
10. Isham, J. (2002). The effect of social capital on fertiliser adoption: Evidence from rural Tanzania. *Journal of African Economies*, 11(1), 39-60.
11. Jones, N., Evangelinos, K., Gaganis, P., & Polyzou, E. (2011). Citizens' perceptions on water conservation policies and the role of social capital. *Water Resources Management*, 25(2), 509-522.
12. López-Gunn, E. (2012). Groundwater governance and social capital. *Geoforum*, 43(6), 1140-1151.
13. Michelini, J. J. (2013). Small farmers and social capital in development projects: Lessons from failures in Argentina's rural periphery. *Journal of Rural Studies*, 30, 99-109.
14. Miller, E., & Buys, L. (2008). The impact of social capital on residential water-affecting behaviors in a drought-prone Australian community. *Society and Natural Resources*, 21(3), 244-257.

15. Miller E., Buys, L., Barnett, K. R., & David, N. (2006). Social capital, environmental and water sustainability: essential ingredients prompting community action on conservation challenges?. *International Journal of Environmental, Cultural, Economic and Social Sustainability*, 2(2), 1-10.
16. Nakagawa, Y., & Shaw, R. (2004). Social capital: A missing link to disaster recovery. *International Journal of Mass Emergencies and Disasters*, 22(1), 5-34.
17. Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Measuring social capital in five communities. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 36(1), 23-42.
18. Onyx, J., Osburn, L., & Bullen, P. (2004). Response to the environment: social capital and sustainability. *Australasian Journal of Environmental Management*, 11(3), 212-219.
19. Onyx, J., Wood, C., Bullen, P., & Osburn, L. (2005). Social capital: A rural youth perspective. *Youth Studies Australia*, 24(4), 21.
20. Pahl-Wostl, C. (2007). Transitions towards adaptive management of water facing climate and global change. *Water Resources Management*, 21 (1), 49-62.
21. Polyzou, E., Jones, N., Evangelinos, K. I., & Halvadakis, C. P. (2011). Willingness to pay for drinking water quality improvement and the influence of social capital. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 74-80.
22. Pretty, J., & Ward, H. (2001). Social capital and the environment. *World Development*, 29(2), 209-227.

23. Sarker, A., Ross, H., & Shrestha, K. K. (2008). A common-pool resource approach for water quality management: An Australian case study. *Ecological Economics*, (68), 461-471.
24. Shalby, A. R., El Gamal, F., & Ali, H. (2004). Participatory water management in Egypt: country review. *Participatory Water Saving Management and Water Cultural Heritage*, 113.
25. Sun, Q. (2007). Rebuilding common property management: a case study of community-based natural resource management in rural Guizhou, China. Wageningen, Netherlands: Wageningen Universities.
26. Van Rijn, F., Bulte, E., & Adekunle, A. (2012). Social capital and agricultural innovation in Sub-Saharan Africa. *Agricultural Systems*, 108, 112-122.
27. Yazdanpanah, M., Hayati, D., Hochrainer-Stigler, S., & Zamani, G. H. (2014a). Understanding farmers' intention and behavior regarding water conservation in the Middle-East and North Africa: A case study in Iran. *Journal of Environmental Management*, 135, 63-72.
28. Yazdanpanah, M., Hayati, D., Thompson, M., Zamani, G. H., & Monfared, N. (2014b). Policy and Plural Responsiveness Taking Constructive Account of the Ways in which Iranian Farmers Think About and Behave in Relation to Water. *Journal of Hydrology*.
29. Yip, W., Subramanian, S. V., Mitchell, A. D., Lee, D. T., Wang, J., & Kawachi, I. (2007). Does social capital enhance health and well-being? Evidence from rural China. *Social Science & Medicine*, 64(1), 35-49.

An Investigation Regarding the Relationship between Social Capital and Farmer's Tendency toward Establishment and Membership in Water User Associations of

Aleshtar Township

F. Rahimi Feyzabad^{1*}, *M. Yazdanpanah*², *M. Forouzani*³,
*S. Mohammad Zadeh*⁴, *Rob J. F. Burton*⁵

Received: 24/05/2014

Accepted: 01/11/2014

Abstract

The objective of this study was to investigate the relationship between social capital and farmer's tendency toward establishment and membership in Water Users Associations in Aleshtar Township. A sample of farmers (n= 360) was selected through a stratified random sampling method. Data collection in this study was conducted using a researcher-made questionnaire. After preparing the questionnaire and confirming its validity by a panel of experts, a pilot study was implemented and the reliability was confirmed by calculating Cronbach's alpha values for the variables investigated. To examine the social factors influencing the willingness of farmers to form and join WUAs, the regression analysis using inter method was run. The findings revealed that three variables including involvement in local community activities, 'firm trust, and tolerance of diversity were able to predict a significant proportion of the variation in farmers' tendency toward Water User Associations establishment ($R^2= 0.412$). Furthermore, four variables of inclusion in local community activities, 'firm trust, local external communication, and civic participation were able to predict a significant proportion of the variation in farmer's tendency toward membership ($R^2= 0.51$).

Keywords: Water User Associations, Social Capital, Participation, Aleshtar, Tendency, Membership

1. Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agricultural and Natural Resources University, Khuzestan, Iran

*Corresponding Author E-mail: rahimifatemeh418@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agricultural and Natural Resources University, Khuzestan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agricultural and Natural Resources University, Khuzestan, Iran

4. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agricultural and Natural Resources University, Khuzestan, Iran

5. Assistant Professor, Ruakura Rural Research Centre, Hamilton, New Zealand